

در آغاز جنگ تحمیلی شما در

سینمای ایران مسئولیت داشتید. چه سیاست‌ها و تمهیداتی برای ثبت و ضبط جنگ در برهه آغازین این رویداد شکل گرفت و اساسا اهمیت این موضوع در آن بصیوحه تا چه اندازه برای مسئولان فرهنگی و هنری کشور محسوس بود؟

در کشور ما از شروع انقلاب برخی فیلمسازان که تعدادشان زیاد هم نبود هنوز تردید داشتند که انقلاب ماندگار است یا نه و در خفا بحث‌هایی مطرح می‌کردند که شاه‌برمی‌گردد واحساساتن این بود که انقلاب در فضای ناپایداری قرار دارد اما هر مرور که انقلاب تثبیت شد چرخ‌های سینما هم شروع به چرخیدن کرد. سینما همان زمان هم سرمایه‌گذاری سنگینی می‌خواست و برخی نمی‌خواستند ریسک کنند. ابتدای انقلاب بالای ۹۰ درصد سینما دست بخش خصوصی بود. یک فیلم به طور متوسط یک چیزی بین یک تا ۲ میلیون تومان هزینه برمی‌داشت که پول زیادی بود.

با شروع جنگ با تحریمی که صورت گرفت درباره نگاتیو و فیلم مافظ می توانستیم با کارخانه‌ای در آلمان غربی وژاپن ارتباط داشته باشیم و تهیه این اقلام ضروری دشوار شده بود و یک مرتبه قیمت نگاتیو از رقمی که بود ۱۱ برابر شد و اولین تصاویر مستندی که از جنگ دریافت شد، مهر ۱۳۵۹ بود که توسط برخی جوان‌ها صورت گرفت و بعضی از این دوستان بچه‌های تله‌فیلم بودند. پس از تعطیلی دانشگاه در ۱۳۵۹ یک همکاری بین رادیو و تلویزیون و آموزش و پرورش شکل گرفت که من آن زمان بخش هنری وزارت آموزش و پرورش بودم و تعدادی از دانشجویان که به خاطر تعطیلی دانشگاه بیکار شده بودند و علاقه‌مند بهفیلمسازی بودند یک دوره ۵–۴ ماهه دیدند و با همین دوره توانستند بروند اولین تصاویر مستند را از جنگ به خصوص از خرمشهر تهیه کنند که آن تصاویر هنوز هم هست. یعنی ما برای ثبت اولین تصاویر از جنگ معطل سینماگران حرفه‌ای نماندیم.

اما فیلمسازی جنگ از حدود سال ۱۳۶۰ شروع شد و عده‌ای از قدیمی‌ترها بودند که جرئت نداشتند به خط مقدم بروند، برای همین خودشان داستان‌هایی را می‌نوشتند و می‌آوردند که بیشتر کپی سینمای جنگ هالیوودی بود که اگر تصویب شد ورود و کار داشت و چون خود من پیش از جنگ تحمیلی در وزارت ارشاد مسئولیت داشتم و بخش سینما زیر نظر من بود، شاهد بودم که خیلی‌ها علاقه‌مند بودند کار کنند.فکر می‌کنم مهر ماه ۱۳۶۰ خدمت حضرت امام (ره)، سید صدری، ایشان اصرا داشتند که این دلآوری‌ها و شجاعت‌های کسانی که دارند از کشور دفاع می‌کنند ثبت و ضبط شود. تأکید داشتند فیلم و کارگردان را بگیریم که فرزندان اینها بدانند که پدرانشان چه دلآوری‌ها کردند و اینجا تکلیف ما روشن بود و البته ما در روزتخانه‌مان لایبراتورر داشتیم و به اندازه‌ای که دو ماه کار کنیم امکانات بود. آن زمان مدیر لایبراتورر دکتر اکبر عالمی بود و خود وزارت فرهنگ و هنر که هنوز به ارشاداسلامی تبدیل نشده بود تعدادی و شجاعتشان را هم داشتند که به جبهه بروند. ابتدای جنگ وضعیت خط مقدم کامل شکل نگرفته‌نبود. خاکریز و خط مرزی مشخصی تعیین نشده بود و هر لحظه می‌توانست شکل دیگری گرفته‌باشد اما مچله‌های انقلابی حاضر بودند که به جبهه بروند مثل مرحوم حاج‌پرس، صدیق حسن کارخیز، یخغمایلان، علیمردانی، درمنش، مهدی پور، کمال تبریزی، رحیم‌پور و تعدادی از جوانان بعدا سینماگران مطرح می‌شدند مثل ابراهیم حاتمی کیا، جواد شمقدری، ابوالقاسم طالبی، علیرضا شجاع‌نوری، جواد شمقدری و احمدرضا درویش و برخی که دیگر فیلمسازی ادامه ندادند، رفتند و از منطقه فیلم تهیه کردند و زیر آتش دشمن هم قرار گرفتند و تصاویر خوبی هم ارسال کردند. برخی از همین بروپه‌های تل‌فیلم که مدیر برخی از ادارات سینمایی شده بودند مثل آقای مرادخانسی و پارسیان هنر و فیلمبرداران و کارگردانان حرفه‌ای فرهنگ و هنر به جبهه رفتند و فیلم‌های ۳۵ میلیمتری گرفتند.

تغییرات ساختاری در وزارت تخانه‌ها به چه شکلی انجام می‌شد؟

در سال ۶۰ تصمیم بر این شد که وزارت فرهنگ و هنر سابق که به طور موقت به صورت معاونت وزارت علوم و آموزش عالی در آمده بود با وزارت اطلاعات و جهانگردی که پس از انقلاب تغییر نام داده و به نام وزارت ارشاد خوانده می‌شد و سی‌وچند مؤسسه کوچک و بزرگ فرهنگی – هنری با سابقه‌مند وزارت دربار ادغام شود که طی یک کار فشرده و کارشناسی به وزارت فرهنگ و هنر وزارت فرهنگ، هنر و ارشاد اسلامی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی شکل گرفت که بخش‌های تحقیقاتی و سازمان مثل حفظ میراث فرهنگی و مؤسسات مستقل مثل ونوسکو به وزارت علوم و آموزش عالی پیوست و بخش‌های انتشاراتی اعم از جراید روزانه هفتگی و کتاب و همچنین سینما، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی قرار گرفت. همچنین وزارت دربار و اطلاعات و جهانگری حذف شدند که بعدا با حذف کلمه هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خوانده شد.

اولین جنگ ما به عنوان مسئولان وزارت فرهنگ و هنر که هنوز قید ارشاد اسلامی را نداشت علاقه‌مند بودیم بخشی از این دلآوری‌ها و آنچه اتفاق می‌افتاد بر اساس همان فرمایش حضرت

امام (ره) ثبت و ضبط شود و در اختیار نسل‌های آینده قرار بگیرد. به موازات مسا هم بخش‌های دیگری وارد کار شدند مثل خبرگزاری جمهوری اسلامی، گروه جهاد سازندگی سیما و تعدادی از جوانان انقلابی واحد مرکزی خبر و رپور تاژ. در زمان جنگ هنوز سیستم ویدئو پرتابل رایج نشده بود و تصویربرداری با دوربین‌های ۱۶ میلیمتری که با فیلم کار می‌کرد مورد استفاده

قرار می‌گرفت، درتلویزیون گزارشگران با فیلم‌های رپورساج سیستم تصویربرداری می‌کردند. ایسن فیلم‌ها وقتی ظاهر می‌شد مثل اسلاید دیگر نگاتیو نداشت. یعنی خودش پوز تپو بود اما تصویری که برای وزارت فرهنگ و هنر و آموزش عالی گرفته می‌شد به صورت نگاتیو بود که بعدا می‌شد از روی آن پوز تپو تهیه کرد. مسئولان خبرگزاری جمهوری اسلامی برای سهولت در تصویربرداری و سرعت در بازیابی و توسعه و گسترش میدان تصویری به خصوص در جبهه‌ها و عملیات‌های بزرگ تعدادی از جوانان آماتور را مجزه به دوربین‌های هشت میلیمتری سوپر کردند که هم به دلیل سبک بودن دوربین‌ها و هم خودکار بودن دیافراگم و هم سرعت در تعویض کاست و سرعت در ظهور پوشش قابل قبولی از زوایای مختلف یک عملیات را میسر می‌ساخت. این جوانان داوطلب با دوربین‌های سوپر ۸ هم بعدا به گروه ۴۰ شاهد معروف شدند و تا آنجا که اطلاع دارم ابراهیم حاتمی کیا یکی از این جوانان بود. جدا از آن عکاس‌هایی هم بودند که به شکل حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای می‌رفتند و عکس می‌گرفتند. یکی از آن عکاس‌ها مرحوم رسول ملاقلی‌پور بود. من اولین معاون سینمایی پس از انقلاب بودم چون پس از انقلاب معاونت سینمایی به اداره کل تنزل پیدا کرده بود تا سال ۱۳۶۰ و به طور مستمر این قضایا را دنبال می‌کردم که هر کسی می‌خواست واقعا کار کند با آن شرایط سخت ابتدای جنگ و نداشتن ارز برایش امکانات فراهم باشد. در همان شرایط دولت آقای رجایی یک بودجه ۵۰۰ هزار دلاری را توانستیم تصویب کنیم و اختصاص بدیم که این بودجه چند سال پس از من هم به بخش سینمایی وزارت ارشاد سرپوش می‌داد.

بخش خصوصی چقدر پای کار ضبط تصویری جنگ بود؟

آن زمان بخش خصوصی حاضر نبود ریسک کند و باید و سرما یه گذاری کند. بنیاد فارابی که قبلا مؤسسه فارابی بود شکل گرفت و در حقیقت دولت وارد شد که هم هزینه بدهد و هم ظهور فیلم و عکس و چاپ را انجام بدهد. نگاتیو را تأمین کند. این بوی نبود که بخش خصوصی بخواد ورود کند. این ضرورتی بود که آن روز به وجود آمد یعنی ما غیر این عمل می‌کردیم اما هیچ فیلمسازی صورت نمی‌گرفت. نه فقط در ارتباط با جنگ که در باقی موارد هم انجام نمی‌گرفت اما اصرار ما بر این بود که به جای آنکه با ما داستان‌ها و قصه‌های هالیوودی و سینمای جنگی اروپایی را کپی کنیم یک الگوی معرفی برای سینمای جنگ خومان داشته باشیم چون می‌دانستیم که جنگ ما با هیچ جنگی در تاریخ قابل مقایسه نیست و جنبه‌های متفاوتی دارد. از جمله فیلم‌هایی که ساخته شد می‌توانم به «پیش‌از جنگ» به کارگردانی ونوسندگی حسن کارخیز با بازی پرویز پرستویی اشاره کنم. این فیلم بر اساس تحقیقات میدانی جبهه غرب در قصر شیرین ساخته شد که خود من چند باری به آن منطقه رفتم و مکتومی عکس هم گرفتم و یک سفری هم برای تحقیقات میدانی در سال ۶۱ به کردستان رفتم. سیاستی که برایمان روشن بود این بود که باید یک تحقیقات میدانی برای تولید فیلم سینمایی انجام بگیرد تا یک پایز بزرگ ما طراحی کنیم که قطعات آن وجود داشت و ما در طراحی قصد داشتیم آن را به شکلی دراماتیک تبدیل کنیم که هم جذابیت داشته باشد و هم بازتاب‌دهنده دل‌آورد باشد.از جمله این فیلم‌ها می‌توانم به «ما ایستادیم»، «پیش‌ازان فتح»، «دیار عاشقان» و «ندان‌دولت‌و» اشاره کنم.

دوله تو نام زندانیست در کردستان که توسط حزب دموکرات اداره می‌شد و فیلم هم به همین نام است. کارگردان آن آقای رحیم‌پور و کمک کارگردان جمال شوره‌چو بود و به حزب دموکرات کردستان و تابش‌اش با امریکایی‌ها اشاره می‌کرد که در سال ۶۰–۵۹ بمبارانی شده و تعداد زیادی از بچه‌های جهاد سازندگی را اینها شهید کردند. این فیلم یک جایزه‌ای هم در جشنواره‌های فجر گرفت که فکر می‌کنم جشنواره سال ۱۳۶۲ بود. البته فیلم دیار عاشقان در جشنواره فجر هم به عنوان فیلم برگزیده هیئت داوران و هم بازی نقش دوم مرد پرویز پرستویی مورد تقدیر قرار گرفته بود. باید اشاره کنم در آن زمان سیاست ما این بود که برای ارتقای کلاس بازیگری سینما اصرار داشتیم در فیلم‌های سینمایی حتماً بازیگران تئاتر استفاده شود که در دیار عاشقان هم نقش اول و هم نقش دوم از آنها بودند.

درباره ایجاد جشنواره‌های فجر چه رپوسه‌ای طی شد؟

به نظرمان رسید که جشنواره‌های فیلم، تئاتر و موسیقی را در دهه فجر برگزار کنیم که هنوز هم به همین متوال است. ما آن زمان به نظرمان می‌آمد که جشن‌های انقلاب باید مثرات فرهنگی – هنری انقلاب را در خود جای دهد. اینها در همان سال ۱۳۶۱ در حقیقت به تصویب رسید، انجام شد و تا الان هم خوشختانه وجود دارد. در بخش بین‌الملل در سال اول اگر اشتباه نکنم، ۱۶ فیلم اکران اولی وارد این

کوی



گفت‌وگوی «جوان» با مهدی کلهر، اولین مسئول سینمایی پس از انقلاب

ثبت تصاویر جنگ را معطل سینماگران حرفه‌ای نکردیم

- جواد محرمی

اولین معاون سینمایی ارشاد پس از انقلاب است. می‌گویید سیاست وزارت ارشاد در دهه ۶۰ این بود که فیلمی درباره جنگ ساخته نشود تا جنگ تمام شود و پس از آن فیلم بسازیم. گفت‌وگوی «جوان» با مهدی کلهر به سینمای آن دوران واکنون پرداخته است.

در این گفت‌وگو با جواد محرمی، اولین معاون سینمای ارشاد پس از انقلاب، به موضوعات مختلفی پرداخته شد. در ادامه می‌توانید با او گفت‌وگو کنید.

خیلی هم خوب. رفت و ساخت و خیلی برای من جالب بود چون فکر نمی‌کردم با یک گفت‌وگوی اینطوری و یک نغزی که آن زمان او سنی می‌نداشت، فیلم نسبتاً خوبی ساخته شود. ما فیلم مستندی ساخته شد به نام «باز زهر» که رمز عملیات فتح‌المبین بود و اسم دیگرش صدای پای نور بود که من این اسم را بیشتر می‌پسندیدم، نریشن آن از حمید گروگان بود و شمقدری آن دفاع مقدس داریم. کسسانی را که دارند می‌روند دیده بود و اصلا باورش نمی‌شد. جواد شمقدری تنها ۲۲سال داشت می‌گفت: کارگردان این است؟ می‌گفتم: بله- و تعجب می‌کرد. اغلب بچه‌هایی که ما در تله فیلم آموزش دادیم، سن سال کمی داشتند. البته همانطور که گفتم سیاست کسسانی که آن زمان در رأس وزارت ارشاد و معاونت سینمایی بودند این بود که نباید الان فیلم ساخت یا دی‌صبر کنیم که جنگ تمام شود. بزرگ‌ترین سیاهی لشکر در سینما مربوط به همین اسپاروخان بود که از پنج کشور ۶۰هزار سیاهی لشکر در یک کادر قرار گرفت و در تاریخ سینمای جهان تاکنون بی‌سابقه‌است و از پنج کشور صدها رأس اسب در این فیلم مورد استفاده قرار گرفته بود. حدود ۲۰ فیلم کوتاه از ایتالیا و چند کشور شرقی و غربی آورده بودند.

جران‌ساخت و تولید فیلم‌های جنگی مخالف هم داشت؟
بله، مخالفانی هم داشتیم. همین دوستان که بعدها آمدند و مسئولیت گرفتند در وزارت ارشاد این بود که باید یک تحقیقات میدانی برای تولید فیلم سینمایی انجام بگیرد تا یک پایز بزرگ ما طراحی کنیم که قطعات آن وجود داشت و ما در طراحی قصد داشتیم آن را به شکلی دراماتیک تبدیل کنیم که هم جذابیت داشته باشد و هم بازتاب‌دهنده دل‌آورد باشد.از جمله این فیلم‌ها می‌توانم به «ما ایستادیم»، «پیش‌ازان فتح»، «دیار عاشقان» و «ندان‌دولت‌و» اشاره کنم.
دوله تو نام زندانیست در کردستان که توسط حزب دموکرات اداره می‌شد و فیلم هم به همین نام است. کارگردان آن آقای رحیم‌پور و کمک کارگردان جمال شوره‌چو بود و به حزب دموکرات کردستان و تابش‌اش با امریکایی‌ها اشاره می‌کرد که در سال ۶۰–۵۹ بمبارانی شده و تعداد زیادی از بچه‌های جهاد سازندگی را اینها شهید کردند. این فیلم یک جایزه‌ای هم در جشنواره‌های فجر گرفت که فکر می‌کنم جشنواره سال ۱۳۶۲ بود. البته فیلم دیار عاشقان در جشنواره فجر هم به عنوان فیلم برگزیده هیئت داوران و هم بازی نقش دوم مرد پرویز پرستویی مورد تقدیر قرار گرفته بود. باید اشاره کنم در آن زمان سیاست ما این بود که برای ارتقای کلاس بازیگری سینما اصرار داشتیم در فیلم‌های سینمایی حتماً بازیگران تئاتر استفاده شود که در دیار عاشقان هم نقش اول و هم نقش دوم از آنها بودند.

بله، مخالفانی هم داشتیم. همین دوستان که بعدها آمدند و مسئولیت گرفتند در وزارت ارشاد این بود که باید یک تحقیقات میدانی برای تولید فیلم سینمایی انجام بگیرد تا یک پایز بزرگ ما طراحی کنیم که قطعات آن وجود داشت و ما در طراحی قصد داشتیم آن را به شکلی دراماتیک تبدیل کنیم که هم جذابیت داشته باشد و هم بازتاب‌دهنده دل‌آورد باشد.از جمله این فیلم‌ها می‌توانم به «ما ایستادیم»، «پیش‌ازان فتح»، «دیار عاشقان» و «ندان‌دولت‌و» اشاره کنم.

دوله تو نام زندانیست در کردستان که توسط حزب دموکرات اداره می‌شد و فیلم هم به همین نام است. کارگردان آن آقای رحیم‌پور و کمک کارگردان جمال شوره‌چو بود و به حزب دموکرات کردستان و تابش‌اش با امریکایی‌ها اشاره می‌کرد که در سال ۶۰–۵۹ بمبارانی شده و تعداد زیادی از بچه‌های جهاد سازندگی را اینها شهید کردند. این فیلم یک جایزه‌ای هم در جشنواره‌های فجر گرفت که فکر می‌کنم جشنواره سال ۱۳۶۲ بود. البته فیلم دیار عاشقان در جشنواره فجر هم به عنوان فیلم برگزیده هیئت داوران و هم بازی نقش دوم مرد پرویز پرستویی مورد تقدیر قرار گرفته بود. باید اشاره کنم در آن زمان سیاست ما این بود که برای ارتقای کلاس بازیگری سینما اصرار داشتیم در فیلم‌های سینمایی حتماً بازیگران تئاتر استفاده شود که در دیار عاشقان هم نقش اول و هم نقش دوم از آنها بودند.



فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۹۸۴۶۶

می‌پسندم. صداقت ملاقلی‌پور و دانش و معرفت حاتمی کیا را می‌پسندم. حاتمی کیسا یکی از شایسته‌ترین‌هاست از نظر من. از اولین فیلم که «دیده‌بان» بود تا آخرین فیلم‌هایش که الان ساخته می‌شود و «بادیگارد» به نظر من عالی است. اینها کسانی هستند که خیلی هم متواضع هستند. خود حاتمی کیا یا مرحوم ملاقلی‌پور اگر جای دیگر در دنیا بودند از آنها بت می‌ساختند و استفاده بهتری می‌کردند. اما اینجا زیاد متوجه نبوغ اینها نیوده‌ایم.

درباره سبک ده‌نمکی چه نظری دارید. نوعی کم‌دبی در فضای دفاع مقدس که البته استقبال خوبی هم از آن صورت گرفت.

زمان جنگ رزمنده ما سه ماه زندگی داشت و در جبهه ۴۸ساعت حمله داشت. برخی که خودشان جبهه نرفته بودند طوری فیلم ساختند که اینها هر شب دارند عملیات می‌کنند و دارند وصیت می‌نویسند و گریه‌می‌کنند نه زندگی می‌کردند، شوخی‌داشتند. شادی آنها خیلی بیشتر از ما بود. البته اهل ذکر و عبادت و نماز شب هم بودند ولی برخی فیلم‌ها در نشان دادن این بعد از زندگی رزمندگان زیاده‌روی کردند. گویی‌که فقط نشست‌اند و دارند دعا می‌کنند و نماز می‌خوانند. خیلی آنها را دست نیافتنی می‌کردند که به نظر من درست نبود. صمیمیت و شادی که وجود داشت بخشی را مسعود ده‌نمکی توانست در فیلم‌هایش نشان بدهد اما اینکه ما حیثیت کسسانی که نگذاشتند از خاک ایران و جیبی کم شود را به نام فیلم طنز به مسخره بگیریم موضوع دیگری است و هر آدم منصفی با آن مخالف است.

وضعیت کلی سینمای ایران در حال حاضر را در چه سطحی ارزیابی می‌کنید؟ الان غلبه کم‌دبی‌های مبتذل در سینما انتقادهای زیادی را برانگیخته است.

فکر می‌کنم سینمای دنیا را می‌شناسم چه غرب و چه شرق. به نظر من سینمای ما با تمام ضعف‌هایی که دارد و معتقدم که واقعا دارد و می‌توانسته با هدایت مدبرانه حاکمیت نداشته باشد، به لحاظ اخلاقی و معنوی در وضعیت بهتری قرارهای از آن در آثار ما نشت می‌کرد. فیلمسازان ما صرفا قطره‌ای از دریای انسانیت و عاطفه دفاع مقدس را نشان می‌دادند. البته عده‌ای هم آمدند و پس از جنگ فیلم‌های مازوخستی ساختند و به جای گیر دادن به حزب بعث و حامیان غربی‌اش به خودی‌ها گیر دادند. پولش را هم از خودی‌ها گرفتند. ما حتی این نوع فیلمسازی هم به نام دفاع مقدس داریم. کسسانی را که دارند می‌روند از کشور دفاع کنند که بخواهند کشور را نجات دهند قهرمان نمی‌بینند. ما این فیلم‌ها را داریم، مجوز گرفته و پخش هم شده‌اند.

من فیلم‌های زیادی پس از جنگ دیدم که وزارت ارشاد به آنها‌جا داد و تشویق کرد که لایه دوم نگاهشان به جنگ تگاهی نبود که اینها را قهرمان بداند و اینها را افرادی بداند که است و تاریخ به آنها مدیون است. اگر نگاه فیلم‌هایی مثل «دیده‌بان» حاتمی کیا برای پس از جنگ است یا کارهای سینمایی فیلمسازانی مثل کمال تبریزی واحمدرضا درویش همه برای پس از جنگ است. اینها سیاست آن زمان وزارت ارشاد بود که در زمان جنگ فیلم ساخته نشود.

اکشن در سینما چه اهمیتی دارد و وضعیت سینمای جنگ ما در این زمینه چگونه است؟

یکی از موتورهای سینمای متداول جنگ در جهان چه جنگی و چه غیر جنگی آن کینه و خشم است. نمی‌گویم اصلا،تولد،نگاه‌های انسانی در فیلم‌های غربی هم داشتیم. هم در کارهای فرانسوی و هم در کارهای امریکایی اما صرفا در حد چاشنی بوده است. تا کسی عصبی نشود دست به اسلحه نمی‌برد و برای اینکه دست به اسلحه ببرد بهتر است نسبت به آنکه در جلوش است کینه داشته باشد. سربازی که قرار است برود و برای دشمن شمشیر بکشد خشمش را تقویت کردند اما یک اتفاقی در انقلاب ما افتاد و جنگ را نشان بدهد و اوسید مرتضی آوینی بود. البته ابراهیم حاتمی کیا هم همین گرایش را بروز داد. او ونی در مقطعی آمد یک چهره دیگری از جنگ را مطرح کرد. او با سینماهایش به ما نشان داد که زیرساخت جنگ ما اساسا محبت است. طرف فیلمساز ضد ایرانی هست و این کار را می‌کند. ما داشتیم کسسانی را که جنگ ایران و عراق را در وا‌شنگتن نشسته و نگاه کرده و در باره‌اش سناریو نوشته‌اند. سر جمع اگر بخوایم بگوییم در فیلمساز های دفاع مقدس به سلیقه خود البته یک حاتمی کیا و دو ملاقلی‌پور را

درد

پس از انقلاب متدین‌نین هم‌سینما‌رو شده بودند و این می‌توانست زنگ خطر باشد برای ضد انقلاب و برای همین از همان ابتدا سعی کردند تا می‌توانند از اثر گذاری سینما کم کنند یا دست کم اثر گذاری آن را به سود انقلاب کاهش دهند. البته تا حدودی هم توانستند کارهای انجام دهند.

اگر کسی به کم‌دبی‌های مبتذل انتقاد دارد نباید طوری مطرح کند که مردم فکر کنند او با خنده و شادی و سرگرمی مخالف است. اصل کم‌دبی را نباید زیر سؤال ببرد. جزو ضروریات جامعه‌است. ضد انقلاب القا می‌کند که اینها از اساس با سینما مشکل دارند. در صورتی که سینما می‌تواند در خدمت انقلاب باشد. یک سیاست امریکایی وجود دارد که مردم نخندند و ملت را عبوس نگه دارند تا ماهی خود را از آب بگیرند. اگر کم‌دبی‌ها مشکل دارند باید با سیاست‌گذاری درست این روند اصلاح شود. می‌گویید سخیف است اشکال ندارد

شما بررسی کنید و ببینید اشکال کار کجاست. اگر سینمای خودمان از کج رفتاری و بد بنداری خودمان انتقاد نکند و با بیان کم‌دبی تذکر ندهد، زمینه برای برخوردهای تند و خشن انفجاری و چند قطبی شدن جامعه آماده خواهد شد. کم‌دبی و طنز چه در سینما، چه در تئاتر و چه در مطبوعات، از روش‌های مؤثر و جذاب جهت اصلاح مسئولان سیاسی و عملکرد اجتماعی است. هر جامعه‌ای که خودش را در برابر آینه مفرق کم‌دبی قرار ندهد و خودش به کج رفتاری و بد کرداری خود نخندد دیگران به ریشش خواهند خندید. اگر می‌بینیم سینما یا تئاتر یا هر رسانه کم‌دبی به سمت دلگرمی و هرزه در آیی گرایش پیدا می‌کنند علت را باید در سیاست‌های اشتباه برخی مسئولان در بخش‌های مختلف جست‌وجو کرد و گر نه طنز و کم‌دبی یکی از مؤثر ترین روش‌های اصلاح رفتاری در هر جامعه‌است.

البته ما به رویکرد اصالت خنده به هر قیمتی در سینما انتقاد داریم و صرفا ایراد ما به راجعات سیاسی در کم‌دبی‌ها نیست. اتفاقا ایراد ما به رویکردی است که خانواده‌ها را از سینما فراری می‌دهد. ما زمانی کم‌دبی‌های شریفی مثل اجار ده‌نشین‌ها، میهمان مامان و لیلی با من است و حتی مارمولک داشتیم که در جشنواره فجر نگاه سینما را به خود جلب می‌کرد. حتی فیلم مارمولک از سوی رهبر معظم انقلاب تأیید شد اما رویکردی که ما به آن انتقاد داریم همان رویکردی است که بازیگری هنگام دریافت جایزه در جشنواره فجر گفت من برای خنداننن مردم حاضرم همان زمان با اینها بکشم که این حرف مواج‌ه‌شد. این رویکرد در کم‌دبی ایران در حال غلبه پیدا کردن است.

ما اول انقلاب گفتمی که سینمای ما از دو جنبه خشنونت و رابطه استفاده نمی‌کند. نگفتم، راجع به موضوع کار نمی‌کند. گفتمی از این دو جانبه استفاده نمی‌کند و کار درستی کردیم چون سینمای آن روز دنیا این ابزارش بود و اگر این کار را ما نکرده بودیم از سینمای ما چیزی نمانده بود اما این بدان معنا نیست که مدیر نمی‌خواهد. خوب باید کسی نظارت و اعمال کند. اصلا زور برای چه می‌خواهیم. خضرت امام (ره) به صراحت گفتند ما با فساد و وحشا سینما را سینما و تلویزیون مخالف نیستیم. این یک رویکرد است. بعد هر کس با یاد خودش را بکند، وزارت ارشاد در بحث با فرهنگ یک وظیفه حاکمیتی دارد که بخشی از آن سلبی است ولی بخشی هم ایجابی است. باید سیاست‌گذاری کند تا اخلاق و معنویت در سینما رشد کند اما نمی‌کند

برای مثال برخی سیاست‌های شمقدری هم‌اشتباه بود. هم‌ان زمان که شورای عالی سینما که رأس معاونت سینمایی است را به رئیس‌جمهور ارتقاده، کار اشتباهی کرد. اصلا، به رئیس‌جمهور چه ربطی دارد. کدام رئیس‌جمهوری می‌تواند شنسیدند و ۲۰۰ تا فیلم ببینند. او یک سبک فیلمی را که مورد بحث‌است می‌تواند ببیند. اصلا، ببینند مگر می‌تواند بفهمد؟ حالا مردم مثلا، به رئیس‌جمهوری رأی می‌دهند که سینما هم بفهمد؟ یعنی لایه دوم فیلم را بفهمد. از کجا می‌خواهد بفهمد. محتاج به متخصص سینما دارد. اینها کارهای غلطی بود که انجام گرفت. اشتباه بود و عجیب‌است که مدیریت ما تمام اهرامی قرار از تولید خنکواری

است و متأسفانه برخی منتقدان خوب ما، یک‌خده ریشه‌یابی نمی‌کنند. وقتی می‌خواهند انتقاد کنند همین طور دمی انتقاد می‌کنند. فرهنگ چیزی است که متوتلی آن وزارت فرهنگ است. صداسویما متولی است، رسانه‌ها متولی هستند. آنها باید به فیلساز خط بدهند. وقتی تو خط نمی‌دهی، او از جای دیگری خط می‌گیرد. وقتی تو رهاکار نداری، جای دیگری به او رهاکار فرستاده می‌دهد.

درست‌است که سینمای پس از انقلاب ایران از پیش از انقلاب قابل مقایسه نیست اما تا اکی قیام‌نامه ما خودمان را پیش از انقلاب مقایسه کردیم. بالاخره یک معیار مطلوبی باید ترسیم کنیم که بتوانیم نسبت حال را با آن نظر بگیریم و بفهمیم کجا کار هستیم؟

قد مسئولان ما خیلی بالاتر از قبل از انقلاب است. می‌تواند رشیدتر هم باشد. ببینید اینطور نیست که شما سینما نداشته‌باشی، مردم چیزی ببینند، مردم خوراک فرهنگی و هنری می‌خواهند. یکی از مسئولان گفت بودجه‌ای که در ویدئوی خانگی دارد می‌چرخد، ۱۸ برابر بودجه سینمای کشور است. یعنی الان مردم در خانه‌ها فیلم می‌بینند. برای آنها چه محصولی داریم ارانه می‌دهیم. این غلط‌است که برخی فکر کنند مردم فیلم مبتذل را می‌پسندند. این دروغ‌است. خوب است اگر می‌پسندیدند مسئولان ترین سال تولیدفیلمفارسی قبل انقلاب سال ۱۳۵۵ است و شما می‌دانید که همان سال سال ورشکستگی سینمای ایران است یعنی خانواده‌ها باایشان ر قطع کردند اما پس از انقلاب مردم با سینما آشتی کردند. فیلم عقاب‌ها که ساخته شد فخرالدین انوار آمد مبه من گفت ۱۸ میلیون تومان فروخته‌ام. این موقع خیلی پول بود. من بغلش کردم گفتم سینما دارد درست می‌شود. اول انقلاب گفتند بانک بروی است حذف کنیم امام گفتند اسلامی‌اش کنید حذف چرا، سینما را هم برخی می‌خواستند حذف کنند باید محتوا را درست کنیم تا خانواده‌ها مطمئن پیدا کنند. معتقدم باید بین سینما و خانواده‌ها اعتماد سازی صورت بگیرد.